

اثار و فواید نماز و نیایش



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

آرامش روانی

نماز مهمترین وسیله ارتباطی با خداوند حکیم است

رواشدن حاجات

نزدیکی به خداوند

پاک شدن گناهان

آرامش روانی

یاد خدا مایه آرامش دل‌ها الذین امنوا تطمئنّ قلوبهم بذكر الله ألا بذكر الله تطمئنّ القلوب

آنها کسانی هستند که ایمان آورده‌اند و دل‌هایشان به یاد خدا مطمئن و (آرام) است آگاه باشید با یاد خدا

«دل‌ها آرامش می‌یابد.» (رعد، ۲۸)

در این آیه اوصاف ایمان آورندگان را بیان می‌کند.

چگونه دل با یاد خدا آرام می‌گیرد؟

همیشه اضطراب و نگرانی یکی از بزرگترین بلاهای زندگی انسانها بوده و هست و عوارض ناشی از آن در زندگی فردی و اجتماعی کاملاً محسوس است

همیشه آرامش یکی از گمشده‌های مهم بشر بود و به هر دری می‌زند تا آن را پیدا کند و اگر تلاش و کوشش انسانها را در طول تاریخ برای پیدا کردن آرامش از طرق صحیح و کاذب جمع آوری کنیم خود کتاب بسیار قطوری را تشکیل می‌دهد

آرامش و دلهره نقش بسیار مهمی در سلامت و بیماری فرد و جامعه و سعادت و بدبختی انسانها دارد و چیزی نیست که بتوان از آن به آسانی گذشت و به همین دلیل تاکنون کتابهای زیادی نوشته شده که موضوع آنها فقط نگرانی و راه مبارزه با آن و طرز به دست آوردن آرامش است

تاریخ بشر مملو است از صحنه‌های غم‌انگیزی که انسان برای تحصیل آرامش به هر چیز دست انداخته و در هر وادی گام نهاده و تن به انواع اعتیادها داده است

ولی قرآن با یک جمله کوتاه و پر مغز مطمئن‌ترین و نزدیک‌ترین راه را نشان داده و می‌گوید «بدانید

[که یاد خدا آرامش بخش دل‌ها است.] ۱

رابطه ایمان با اطمینان قلب

از ظاهر سیاق برمی آید که صدر آیه بیان ذیل آیه قبل است، یعنی بیان جمله در (من انا ب) است و می فهماند انا به همان ایمان و اطمینان قلب است با ذکر خدا البته این از ناحیه عبد است که او را آماده و مستعد می سازد برای اینکه مشمول عنایت و عطیه الهیه گردد

همچنان که فسق و اعراض از حق در طرف ضلالت خود زمینه را آماده برای اضلال خدایی می کند. و لذا می بینیم فرمود (و ما یضل به الا الفاسقین) و با آن گمراه نمی کند مگر تبهکاران را

و نیز فرمودند: (فلما زاغوا از اغ الله قلوبهم و الله لا یهدی القوم الفاسقین) به سوی باطل میل کردند. خداوند هم دلهایشان را گریزان از حق و متمایل به باطل کرد و خدا مردم تبه کار را هدایت نمی کند

و ایمان به خدا به صرف این نیست که انسان بداند و درک کند که خدا حق است زیرا مجرد دانستن و درک کردن ملازم با ایمان نیست، بلکه با استکبار و انکار هم می سازد همچنان که خودش فرمود: (و

جحدوا بها و استیقنتها انفسهم) آن را انکار کردند در حالی که دلهایشان بدان یقین داشت. و چون می دانیم ایمان با انکار نمی سازد. پس نتیجه می گیریم ایمان صرف ادراک نیست بلکه عبارت است از پذیرایی و قبول مخصوصی از ناحیه نفس نسبت به آنچه درک کرده، قبولی که باعث شود نفس در برابر آن ادراک و آثاری را که اقتضاء دارد تسلیم شود و علامت دانستن چنین قبولی این است که سایر قوا و جوارح آدمی نیز آن را قبول کنند. مانند خود نفس در برابرش تسلیم شود

اینجاست که می بینیم بسیاری از اشخاص با علم و درک زشتی و پلیدی عملی مع ذلک به آن عمل اعتیاد دارند و نمی توانند خود را از آن باز دارند برای همین است که قبح آن را تنها درک کرده اند ولی ایمان به آن ندارند و در نتیجه تسلیم درک خود نشدند

و بعضی دیگر را می بینیم که علاوه بر درک، تسلیم هم شده اند و بعد از تسلیم توانسته اند بدون درنگ دست از آن کار بردارند و این همان ایمان است

در آیه مورد بحث آن را ایمان و اطمینان قلب نامیده و آن عبارت از این است که آدمی خود را در قبول امر مقبول در امنیت ببیند و قلبش با آن تسکین و آرامش یابد و آن امر در قلبش راه پیدا کند و در آن جایگزین شود بدون اینکه قلب مضطرب و یا روی گردان شود

از همین جا معلوم می شود که جمله (و تطمئن قلوبهم بذکر الله) عطف تفسیری بر جمله: و آمنوا است

و در نتیجه می‌فهماند که ایمان به خدا ملازم با اطمینان قلب به وسیله یاد خدا است

تأثیر یاد خدا بودن

بنابراین هر وقت که دل آدمی به یاد خدا بیفتد اولین اثری که از خود نشان می‌دهد این است که ملتفت مقصودها و تقصیرها و گناهان خود گشته، آن چنان متأثر شود که عکس‌العملش در جوارح لرزه اندام باشد دومین اثرش این است که متوجه پروردگارش می‌شود که هدف نهائی فطرت اوست [و در نتیجه خاطرش سکونت یافته و به یاد او دلش آرامش می‌یابد].^۲

ذکر خدا چیست و چگونه است

ذکر گاهی به معنی یادآوری چیزی به زبان یا به قلب است، ذکر دو گونه است. ذکر قلبی و ذکر

زبانی

و هر یک از آنها دو گونه است یا پس از فراموشی است و یا بدون فراموشی و به هر حال منظور در آیه فوق از ذکر خدا که مایه آرامش دلها است تنها این نیست که نام او را بر زبان آورد و مکرر تسبیح و تهلیل و تکبیر گوید بلکه منظور آن است که با تمام قلب متوجه او و عظمتش و علم و آگاهی و حاضر و ناظر بودنش گردد و این توجه مبدأ حرکت و فعالیت در وجود او به سوی جهاد و تلاش و نیکی‌ها گردد و میان او و گناه، سد مستحکمی ایجاد کند این است حقیقت ذکر که آن [همه آثار و برکات در روایات اسلامی برای آن بیان شده است].^۳

آن چنان که نوش دارو مایه راحتی و آرامش مار گزیده است همان طور که مار گزیده به نوش دارو و رکون و اعتماد نموده خود را به آن می‌رساند و پس از به کار بردن آن احساس نشاط، سلامتی و عافیت می‌کند، نفس نیز از یاد خدا این احساس را می‌نماید

پس هر قلبی به طوری که جمع محلّی به الف و لام (القلوب) افاده می‌کند با ذکر خدا اطمینان می‌یابد و قلق و اضطرابش تسکین پیدا می‌کند آری این معنا حکمی است عمومی که هیچ قلبی از آن مستثنا نیست مگر اینکه کار قلب به جائی برسد که در اثر از دست دادن بصیرت و رشدش دیگر نتوان آن را «قلب ناامید البته چنین قلبی از ذکر خدا گریزان و از نعمت و طمأنینه و سکون محروم خواهد بود

همچنان که فرمود: فانها لا تعمی الابصار و لكن تعمی القلوب التي فی الصدور، دیدگان کور نمی‌شود

[و لكن دل‌ها که در سینه‌هاست کور می‌گردد].^۴

[و نیز فرمود: لهم قلوب لا يفقهون بها، قلب دارند و لکن با آن نمی فهمند.] ۵

[و نیز فرمود: نسوا الله فسيهم، خدا را فراموش کردند خدا هم ایشان را فراموش کرد.] ۶

دلها جز به یاد خدا به غیر دیگری اطمینان نمی یابد

تنها به یاد او دلها آرامش می یابد

و اگر دلی به یاد غیر او آرامش یابد دلی است که از حقیقت حال خود غافل است اگر متوجه وضع

[خود بشود بدون درنگ دچار رعشه و اضطراب می گردد.] ۷

صاحب مجمع البیان برای ذکر معنائی کرد که برگشتش به ذکر لفظی است او گفته است خداوند تعالی یک جا ذکر را مایه اطمینان قلب دانسته و در جایی دیگر باعث وجل و ترس قلب خوانده این بدان جهت است که مقصود از ذکر در اولی به یاد آوردن ثوابها و نعمتهای اوست که به شمار

نمی آید و منتهای او که کسی را یارای تلافی آن نیست آدمی وقتی به یاد نعمتهای او می افتد دلش آرام می گیرد و مقصود از ذکر در آنجا که باعث ترس و اضطراب قلب می شود به یاد آوردن عقاب

[خدا و انتقام اوست که به یاد هر که بیاید آرامش را از او سلب می کند.] ۸

ذکر یک مصداقش نماز است

:علی - علیه السلام - فرمود

[یاد خدا بودن باعث سرور و شادی هر پرهیزگار و لذت بردن هر شخص درستکاری است.] ۹

در حدیث می خوانیم که از وصایایی که پیامبر - صلی الله علیه و آله - به علی - علیه السلام - فرمود این بود: ای علی سه کار است که این امت طاقت آن را ندارند (و از همه کس ساخته نیست) مواسات با برادران دینی در مال ۲- و حق مردم را از خویشتن دادن، ۳- و یاد خدا در هر حال ولی یاد خدا (تنها) سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر نیست بلکه یاد خدا آن است که هنگامی که انسان در

برابر حرامی قرار می گیرد از خدا بترسد و آن را ترک گوید

:در حدیث دیگری می خوانیم علی - علیه السلام - فرمود

ذکر دو گونه است یاد خدا کردن به هنگام مصیبت (و شکیبائی و استقامت ورزیدن) و از آن برتر آن

[است که خدا را در برابر محرمات یاد کند و میان او و حرام سدی ایجاد نماید.] ۱۰

- تفسیر نمونه، ج ۱۰، ص ۲۱۰ . [1]
- المیزان، ج ۱۱، ص ۵۴۳، ۵۴۵ . [2]
- نمونه، ج ۱۰، ص ۲۱۵ . [3]
- حج / ۴ . [4]
- اعراف / ۱۷ . [5]
- توبه / ۶۷ . [6]
- المیزان، ج ۱۱، ۵۴۵ . [7]
- المیزان، ج ۱۱، ص ۵۴۵ . [8]
- غرر الحکم، ص ۴۰۵ . [9]
- تفسیر نمونه ج ۱۰، ص ۲۱۶ . [10]

خداوند در قرآن برای اینکه شخصیت مردم را پرورش دهد و آنها را به یک تعادل روحی برساند. برای همین یکسری عبادات را به آنها واجب کرده است که آنها همیشه برای ساخت شخصیت خود در حال تمرین و ممارست باشند

عباداتی همچون نماز و روزه و زکات و حج را واجب کرده است. انجام منظم این عبادات در اوقاتی معین، اطاعت از خداوند و امتثال اوامر الهی را به مؤمن یاد می دهد و باعث می شود که او همواره با خضوعی کامل در تمام کارها به خداوند نظر داشته باشد. همچنین صبر و تحمل سختیها و جهاد با نفس و تسلط بر خواسته ها و اظهار محبت و نیکی به مردم را به او می آموزد و روحیه همکاری و همبستگی

" . اجتماعی او را رشد می دهد

همه آنها موجب کامل شدن شخصیت افراد می شود و در نتیجه تعادل روحی افراد فراهم می شود و در نهایت به آرامش روحی، روانی خواهد رسید

وقوف خاشعانه وخاضعانه انسان در نماز در برابر خداوند متعال، به او نیرویی معنوی می بخشد که حسن صفای روحی و آرامش قلبی وامنیت روانی را در او بر می انگیزد. چون انسان در نماز (البته اگر به طور صحیح و شایسته برگزار شود) با تمام اعضای بدن و حواس خود متوجّه خدا می شود واز همه اشتغالات ومشکلات دنیا روی بر می گرداند وبه هیچ چیز جز خدا وآیات قرآن که در نماز بر زبان می آورد، فکر نمی کند

همین روی گردانی کامل از مشکلات وهموم زندگی ونیندیشیدن به آنها در اثنای نماز باعث ایجاد حالتی از آرامسازی کامل وآرامش روان وآسودگی عقل در انسان می شود

این حالت آرامسازی وآرامش روانی ناشی از نماز، از نظر در مانی تأثیر بسزایی در کاهش شدّت تشنجات عصبی (ناشی از فشار زندگی روزانه وپایین آوردن حالت اضطرابی که برخی از مردم دچار آن هستند) دارد

قرآن در سوره مبارکه رعد می فرماید: «الا بدكر الله تطمئن القلوب» (آگاه باشید تنها با یاد خدا دلها، آرامش می یابد) ودر سوره مبارکه طه می فرماید: «اقم الصلوه لذكري» (نماز را برای یاد من به پا دار).

حال وقتی این دو آیه را کنار هم قرار می دهیم به این نتیجه می رسیم که نماز برای ایجاد اطمینان قلب وآرامش تأثیرات فراوانی دارد. از لحاظ روانی آشکار کردن مشکلات ومسائل وگرفتاریها وناراحتیها وبیان آنها برای شخصی دیگر موجب آرامش روانی وتخلیه فشار روحی می شود. حال اگر بیان مشکلات برای یک دوست صمیمی چنین تأثیری بر آرامش روان آدمی می گذارد پس بازگو کردن آن در محضر خداوند که از همه کس به ما نزدیکتر است وبه ما مهربانتر است یقیناً آرامش بخشتر وتسکین دهنده تر می باشد

اقامه نماز در همه حال موجب آرامش دل ها و قرب انسان به معبود می باشد

«در قرآن کریم آمده است: «اقم الصلوة الذکری» (۳) نماز را برپا دار تا به یاد من باشی یکی از نویسندگان در تفسیر آیه می نویسد: «روح و اساس و هدف و پایه و مقدمه و نتیجه و بالاخره (فلسفه نماز یاد خدا است. ذکرالله است که در آیه به عنوان برترین نتیجه بیان شده است)». (۴) ذکر و یاد خدا نقش تعیین کننده در آرامش روانی دارد. نماز به عنوان ذکر خدا به نمازگزار آرامش می دهد: «ألا بذکرالله تطمئن القلوب» (۵) آگاه باشید یاد خدا مایه اطمینان و آرامش دل ها است

اختلالات اضطرابی رایج ترین بیماری های روانی در جامعه اند که در پانزده تا بیست درصد از بیماران کلینیک های درمانی دیده می شود. اضطراب حالتی نامطبوع، همراه با انتظاری نامطمئن از رخداد موضوعی زیان آور است. اضطراب موقعیتی است که گاهی در زمان امتحان یا اعمال جراحی و.. دیده می شود. اضطراب بر اساس تجزیه، باعث اختلال در یادگیری و ایجاد خطاهای بیشتر می شود. از نشانه های ذهنی اضطراب می توان عدم تمرکز فکری، ضعف در ادراک، ناتوانی در تحلیل و ضعف حافظه را نام برد

انسان از دو دیدگاه جهان بینی الهی و مادی نگریسته می شود. در جهان بینی الهی، انسان بر اساس آیات قرآنی «نفخت فیه من روحی» و «انی جاعلک فی الارض خلیفه»، دارای فطرتی خدایی و به عبارتی نیمه ملکوتی است. او موجودی است مستقل، امانت دار خدا، مسئول خویشتن و جهان، مسلط به طبیعت و زمین و آسمان، ملهم به خیر و شر که وجودش از سستی و ناتوانی به قوت و کمال سیر می کند. در جهان بینی مادی، در تفسیر انسان و توجیه رفتار او، به یک سری عوامل بیوشیمیایی، ارثی و مسایل زیست شناختی بسنده می شود

حال این سؤال مطرح است که آیا باورها و اعتقادات فرد، در سلامت روحی- روانی او مؤثر است؟

تحقیقات نشان داده است که بیشتر بیماری های روانی ناشی از ناراحتی های روحی و تلخکامی های زندگی، در میان افراد غیر مذهبی، بیشتر دیده می شود. از طرفی شیوع اضطراب در میان زنان بیشتر از مردان است. اضطراب عبارت است از تشویشی فراگیر، ناخوشایند و مبهم که اغلب با علائمی مانند سردرد، تعریق، تپش قلب، درد قفسه ی سینه، ناراحتی مختصر معده و... همراه است

به علاوه اضطراب، بر تفکر، ادراک و یادگیری فرد اثر می گذارد. اضطراب طبیعی، پاسخ مفید به واقعیتی تهدید کننده است. در حالی که اضطراب مرضی به دلیل شدت یا مدتش، پاسخی است نامتناسب به یک محرک فرضی، دکتر هاسیلوپ می گوید: «مهمترین عامل خواب آرام بخش که من در طول سال های متمادی با کسب تجربه در مسایل روانی به آن پی بردم، همین نماز است.» همچنین بسیاری از روانشناسان و روانپزشکان دریافته اند که دعا و داشتن یک ایمان محکم به دین، باعث رفع نگرانی، تشویش یا حس ترس که موجب بیشتر بیماری هاست می شود

توجه کامل به خداوند با تمام اعضاء و حواس، روی گردانی از مشکلات زندگی و اشتغالات فکری که در حین نماز ایجاد می شود و مدتی پس از نماز هم ادامه دارد، باعث به وجود آمدن حالتی از آرامش روانی می شود. بر اساس تحلیلی از این آیه ی قرآن هم می توان به نقش آرامش بخش بودن نماز پی برد. از طرفی آمده در قرآن که «الا بذكر الله تطمئن القلوب» (با یاد خدا دل ها آرام می گیرد) و از طرفی آیه «اقم الصلوه لذكری» (نماز را برای یاد من اقامه کنید.) اشاره به این دارد که نماز باعث آرامش دل هاست

نماز مهمترین وسیله ارتباطی با خداوند حکیم است

اینکه صاحب و مالک این جهان به ما اجازه داده درمقابلش قرار بگیریم و دربرابرش تعظیم نماییم سپس با او حرف بزنیم و خواسته های خود را هرچی است به او بگوییم بزرگترین نعمت و هدیه است.

برای دیدار هر صاحب قدرتی باید وقت و هزینه زیادی صرف کنیم تا به حضورش برسیم اگر اجازه حضور بدهد ولی برای رفتن به محضر الهی در هر کجا که هستیم و در هر حالی که باشیم می توانیم او را صدا بزنیم و بگوییم خدایا فقط تو را عبادت می کنیم و فقط از تو کمک می خواهیم. ما را در مسیر درست هدایت کن.

پس چرا بعضی ها از این نعمت بزرگ دوری می کنند؟ چرا بعضی ها نماز نمی خوانند از طرفی انتظار دارند خدا به آنها توجه کنه و حاجتشانو برآورده کنه!

نماز رابطه انسان با خداست و مایه صفای روح و پاکی دل و پیدایش روح تقوا و تربیت انسان و پرهیز از گناهان است. نماز مهمترین عبادات است که طبق روایات اگر قبول درگاه خدا شود عبادات دیگر نیز قبول خواهد شد و اگر قبول نگردد اعمال دیگر نیز قبول نخواهد شد. و نیز بر طبق روایات، کسیکه نمازهای پنجگانه را انجام می دهد از گناهان پاک می شود همان گونه که اگر شبانه روز پنج مرتبه در نهر آبی شست و شو کند اثری از آلودگی در بدنش باقی نمی ماند. به همین دلیل، در آیات قرآن مجید و روایات اسلامی و وصایا و سفارشهای پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و ائمه هدی (علیهم السلام) از مهمترین کارهایی که روایات تأکید شده همین نماز است و لذا ترک نماز از بزرگترین گناهان کبیره محسوب می شود.

سزاوار است انسان نماز را در اول وقت بخواند و به آن اهمیت بسیار دهد و از تند خواندن نماز که ممکن است مایه خرابی نماز گردد جداً پرهیزد.

در حدیث آمده است روزی پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله) مردی را در مسجد مشغول نماز دید که رکوع و سجود را بطور کامل انجام نمی دهد، فرمود: اگر این مرد از دنیا برود در حالی که نمازش این گونه باشد به دین من از دنیا نخواهد رفت.

روح نماز «حضور قلب» است و سزاوار است از آنچه مایه پراکندگی حواس می شود بپرهیزد، معانی کلمات نماز را بفهمد و در حال نماز به آن توجه داشته باشد و با حال خضوع و خشوع نماز را انجام دهد، بداند با چه کسی سخن می گوید و خود را در مقابل عظمت و بزرگی خداوند بسیار کوچک ببیند.

در حالات معصومین (علیهم السلام) آمده است به هنگام نماز آنچنان غرق یاد خدا می شدند که از خود بی خبر می گشتند، تا آنجا که پیکان تیری در پای امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) مانده بود، در حال نماز بیرون آوردند و آن حضرت متوجه نشد.

برای قبولی نماز و کمال و فضیلت آن علاوه بر شرایط واجب باید امور زیر را نیز رعایت کند:

قبل از نماز از خطاهای خود توبه و استغفار نماید و از گناهایی که مانع قبول نماز است مانند «حسد» و «تکبر» و «غیبت» و «خوردن مال حرام» و «آشامیدن مسکرات» و «ندادن خمس و زکات» بلکه هر معصیتی بپرهیزد.

همچنین سزاوار است کارهایی که ارزش نماز و حضور قلب را کم می کند انجام ندهد، مثلاً در حال خواب آلودگی و خودداری از بول و در میان سر و صداها و در برابر منظره هایی که جلب توجه می کند به نماز نایستد و کارهایی که ثواب نماز را زیاد می کند انجام دهد، مثلاً لباس پاکیزه بپوشد، موهای خود را شانه زند و مسواک کند و خود را خوشبو نماید و انگشتر عقیق به دست کند.

جملات زیبا در مورد نماز

نماز برقراری ارتباط با الله و بریدن از الهه ها است . ۲- نماز سکوی اعتلا و عروج انسان است . ۳- 1

نماز معیار حق جویی و شکوفایی جوانه های وجود و پیمان تسلیم است ۴- نماز پیام مکتب ستون دین

وقله ی بالندگی است . ۵- نماز درس خاک طبعی و فروتنی و بریدن از منیت هاست . ۶- نماز کلاس

درس و کتاب هستی است . ۷- نماز صف آرایي در کرانه ی هستی و دیدن نادیدنی هاست . ۸- نماز

نیاز همیشه ی انسان به شکفتن است . ۹- نماز سکینه ی روح و آرامش خاطر و وقار ظاهر است .

۱۰- نماز کشش عاشقان و محبوب خاشعان و مهر معبود است . ۱۱- نماز منشور سفیران حق و وفای

عهد رشد یافتگان و پیام آمران به معروف و ناهیان از منکر و مصلحان زمین است . ۱۲- نماز قربانی

کردن هوسها و زدودن زشتی ها و نفی انحصار طلبی ها و سد کژرویه ها و عامل خویشتن داری ها

و رهبر نیکه ها و زیباییهاست . ۱۳- نماز صیقل وجود و آینه ی حق است . ۱۴- نماز بانگ برپایی تعظیم

ارزشها و تکریم انسانهاست . ۱۵- نماز ترسیم کننده ی طریق فلاح و نقطه ی اوج صیروت انسان

است . ۱۶- نماز چراغ هر خانه و کاشانه و زینت هر شهر و دیار و عطر حیات است . ۱۷- نماز درس

توحید و رمز اخلاص و راز عبودیت است . ۱۸- نماز پرفروزترین ستاره ی آسمان احکام اسلامی است

. ۱۹- نماز نوید بخش سلامت جسم و بهداشت روان و طهارت روح است . ۲۰- نماز چشمه ی

. جوشان معرفت است

رواشدن حاجات

نماز باعث رواشدن حاجت است. زیرا

پیامبر (ص) فرمود : ا ابادر! مادمت فی الصلاة فانک تفرع باب الملك الجبار و من یكثر قرع باب الملك فانه یفتح له

ای ایوذر! تاهنگامی که در نماز هستی درب خانه ملک جبار را می کوبی ، و هر کس درب خانه ملک را بسیار بکوبد، به رویش باز می شود (بخار الانوار، ج ۷۷، ص ۸۰۰ میزان الحکمة ، ج ۵، ص ۳۷۷)

امام سجاد(ع)دید که مردی در خانه ظالمی نشسته است.پرسید درخانه این ستمکار چرا نشسته ای؟گفت زیرا دچار گرفتاری شده ام.-و آمده ام تا این ظالم مشکل مرا برطرف کن-امام فرمود بلند شو تا تورا راهنمایی کنم به دری که بهتر از در اوست.و بسوی پروردگاری که از او برایت بهتر است.پس دست او را گرفت و به مسجد پیامبر آورد وفرمود دو رکعت نماز بخوان و بعد از نماز بر محمد وآلش صلوات بفرست و آخر سوره حشر وشش آیه اول سوره حدید و دواآیه از آل عمران را بخوان و از خدا حاجتت را بخواه که عطا می فرماید.

نماز و زیاد شدن روزی

شخصی نزد رسول خدا(ص)آمد و گفت به من دعائی بیاموز تا روزیم زیاد شود و قرضم ادا گردد.

رسول خدا(ص)فرمود وضو بگیر و دو رکعت نماز بخوان وسپس این اذکار...را بگو.

خانمی به امام صادق ع عرض کردم شوهرم مرا دست نمی دارد.امام فرمود نمازش بخوان.خانم رفت و بعد از مدتی برگشت درحالی که خوشحال بود وبه امام عرض کرد شوهرم خیلی به من علاقه پیدا کرده است.

امام علی (ع) : الصلاة تنزل الرحمة

نماز رحمت الهی را نازل می کند.

(غرر الحکم ، ص ۵۲۰ میزان الحکمة ، ج ۵، ص ۳۶۷)

تأثیر انتظار نماز

امام صادق (ع) : من اقام فی مسجد بعد صلوته انتظار للصلاة فهو ضیف الله و حق على الله ان یكرم ضیفه

کسی که بعد از هر نماز در مسجد بایستد، در حالی که انتظار نماز بعدی را می کشد، پس او مهمان خداست ، و برخداست که مهمانش را اکرام کند.

(جامع احادیث الشیعه ، ج ۴، ص ۷۸)

تمسک و استعانت از نماز

امام صادق (ع) : کان علی - علیه السلام - اذا اماله امر فزع قام الى الصلاة ثم تلا هذه الاية "واستعينوا بالصبر والصلاة"

شیوه علی (ع) چنان بود که چون مشکل مهمی برای او پیش می آمد، به نماز می ایستاد و این آیه را می خواند: "... واستعينوا بالصبر والصلاة".

(تفسیر درالمنثور، ج ۱، ص ۶۷)

نماز و برطرف شدن اندوه

امام صادق (ع) : ما يمنع احدکم اذا دخل علیه غم من غموم الدنيا ان يتوضأ ثم يدخل المسجد " فیرکع رکعتین یدعو الله فیهما، اما سمعت الله تعالى يقول : "واستعينوا بالصبر والصلاة"

چه مانعی دارد که چون یکی از شما غم و اندوهی از غمهای دنیا بر او درآمد، وضو بگیرد و به مسجد برود و دو رکعت نماز بخواند و برای رفع ". اندوه خود خدا را بخواند. مگر نشنیده ای که خدا می فرماید: "واستعينوا بالصبر والصلاة".

(مجمع البیان ، ج ۱، ص ۱۰۰ و سائل الشیعه ، ج ۵، ص ۲۶۲)

پیامبر (ص) : اذا حزنه امر فزع الى الصلاة

شیوه رسول خدا (ص) چنان بود که چنانچه مشکلی برای او پیش می آمد، به

. نماز پناه می برد و از آن استعانت می جست .

(تفسیر درالمنثور، ج ۱، ص ۶۷)

حاجت خواستن بعد از نماز

امام صادق (ع) : ان الله - عز و جل - فرض علیکم الصلوات فی احب الاوقات الیه ، فاسئلوا الله حوائجکم عقب فرائضکم

به درستی که خداوند نمازهای واجب را در محبوبترین اوقات واجب کرد، پس حاجات خود را بعد از نمازهایتان بخواهید.

(بحار الانوار، ج ۸۵، ص ۲۲۴)

استیجاب دعا

پیامبر (ص) : ان الله یرسب فی جماعه ثم سألہ حاجة ان ینصرف حتی یقضیها

زمانی که بنده ای نمازش را به جماعت بخواند، خداوند از او حیا می کند، و هنگامی که از او طلب حاجت کرد، منصرف نشود، مگر این که حاجتش را برآورد.

(بحار الانوار، ج ۸۸، ص ۴)

نزدیکی به خداوند

یکی از آثار بسیار مهم نماز قرب به خداوند است. این اثر، روح عبادت و نماز را تشکیل می دهد و در یکی از آیات هدف آفرینش انسان «عبادت» بیان شده است. (۱) که حکایت کننده از بُعد معنوی نماز و اهمیت آن است. امام علی(ع) فرمود: «الصلوة قربان لكل تقى؛ (۲) نماز وسیله تقرب هر پرهیزکاری به خداوند است». در برخی روایات از نماز به عنوان معراج مؤمن یاد شده که اشاره به آثار معنوی آن می باشد.

امام علی (ع) : الصلوة قربان كل تقى

نماز خواندن وسیله نزدیکی به خدا است برای هر شخص پرهیزکار.

(میزان الحکمه ، ج ۵، ص ۳۶۷، بحار الانوار، ج ۱۰، ص ۹۹۰ من لایحضره الفقیه ، ج ۱، ص ۵۶، ح ۱۶)

امام رضا (ع) : (الصلوة) طلب الوصال الى الله من العبد

. نماز مطالبه وصال و تقرب بنده به سوی خداوند است

(بحار الانوار، ج ۸۴، ص ۳۶۴)

و یا حدیث معروف نماز معراج مومن است. انسان می تواند با نماز به خدا نزدیک شود

همانطور که در نیت می گوئیم چند رکعت نماز می خوانم قربتا الی الله.

بعضی ها نماز نمی خوانند زیرا غرور دارند اینها از خدا دور هستند.

انسان مغرور گمان میکند تافته ای جدا بافته است.. به همین خاطر خدا غرور را گناه و برابر با کفر میداند چون در نهایت از جامعه و مردم و خدا جدا میشود و راه بندگی را به بی راهه های رزilt و گناه میکشاند...

انسان مغرور نه میتواند نماز بخواند و نه میتواند زمانی که به اقامه نماز ایستاده بصورت درست نماز خود را ادا کند... زیرا نمیتواند از غرور و تکبر خود دست بکشد و در برابر خداوند خود را خاشع کند..

یکی از ویژگیهای اصلی نماز گزار برای ادای کامل نماز خاشع شدن در برابر پروردگار بی نیاز است و فرود آوردن خالصانه سر تعظیم در برابر خدا و به خاک گذاشتن سر سجده به نیت پرستش پروردگار یکتا نمونه های حقیقی خضوع و فروتنی نماز گزار در هنگام نماز

است ولی انسان مغرور و متکبر بخاطر احساس بزرگ بینی و تکبر هیچگاه به خود اجازه نمی دهد که خشوع و فروتنی از خود نشان دهد حتی در برابر خدای بزرگ..
پس به راستی نماز باعث نزدیکی قلب انسان به خدا میشود...

یک روز شخصی از من پرسید میخواهم گناه نکنم.. کمی برایم توضیح داد و از من کمک خواست. اسمش را صدا کردم و گفتم نماز میخوانی؟ جواب داد دست و پا شکسته... احساس کردم شرم میکند بگوید نماز نمیخواند. از آثار نماز خواندن در نزدیکی به خداوند و دوری از شیطان دور کردن انسان از گناه برایش توضیح دادم. احساس دوباره ای به او دست داد.. احساس کردم فهمید کجای کارش میلنگد

پاک شدن گناهان

یکی از آثار بسیار مهم نماز گناه زدایی است، نماز وسیله شستشو از گناهان و باعث مغفرت و آمرزش الهی است.(۷)
پیامبر(ص) به یاران خود فرمود: «اگر بر در خانه یکی از شما نهری از آب صاف و پاکیزه باشد و در هر روز پنج بار خود را در آن

شستشو دهید، آیا چیزی از آلودگی و کثافت در بدن می ماند؟» در پاسخ عرض کردند: نه، حضرت(ص) فرمود: «نماز درست همانند آب جاری است. هر زمان که انسان نماز می خواند، گناहانی که میان دو نماز انجام شده است، از بین می رود

نماز، شست و شو در چشمه زلال

پیامبر (ص) : مثل الصوات الخمس كمثل نهر جار عذب علی باب احدكم یغتسل فیه كل يوم خمس مرات فما یقی ذاك من الدنس

نمازهای پنج گانه به نهر جاری گوارایی می مانند که بر در خانه هایتان روان است و هر روز پنج بار خود را در زلال آن شست و شو می دهید، دیگر هیچ پلیدی باقی نمی ماند.

(كنز العمال ، ج ۷، ص ۲۹۱، حدیث ۱۸۹۳۱)

نماز باعث امزش گناهان و زدودن اثار لغزش هاست قران پس از دستور به نماز می فرماید : نیکی ها بدی ها را از بین می برد . ان الحسنات یذهبن السيئات که مراد از حسنات یکی نمازها است که گناهان را می برد.

" پیامبر (ص) : الصلوة كفارة الخطايا ثم قرأ: "ان الحسنات یذهبن السيئات

".نماز كفاره گناهان می باشد. سپس آن حضرت این آیه را خواند که : "حسنات سیئات را از بین می برد

(تفسیر ابوالفتح رازی ، ج ۱، ص ۲۴۸)

نماز وسیله خاموشی آنشها

پیامبر (ص) : ما من صلاة یحضر وقتها الا نادى ملك بین یدی الناس : ایها الناس ! قوموا الی نیرانکم التی اوقدتموها علی ظهورکم فاطفئوها بصلاتکم

هیچ نمازی نیست مگر این که چون وقت آن فرا می رسد فرشته ای درپیش روی مردمان ندا می کند: ای مردم ! برخیزید به سوی آنشی که بر پشت خودافروخته اید، تا آن را با نماز خویش خاموش کنید.

محجة البیضاء، ج ۱، ص ۳۳۹)

امام علی (ع) : و انها لتحت الذنوب حت الورق

.نمازگناهان را مانند ریزش برگ درختان فرو می ریزد

(نهج البلاغه ، خطبه ۱۹۹)

ارتباط را با خدا قطع نکن

□ یکی از علماء از کربلا و نجف برمی گشت ولی در راه برگشت در اطراف کرمانشاه و همدان گرفتار دزدان شده و هر چه او و رفقاییش داشتند، همه را سارقین غارت نمودند

□ آن عالم می گوید : من کتابی داشتم که سالها با زحمت و مشقّت زیادی آن را نوشته بودم و چون خیلی مورد علاقه ام بود در سفر و حضر با من همراه بود، اتفاقاً کتاب یاد شده نیز به سرقت رفت

□ به ناچار به یکی از سارقین گفتم من کتابی در میان اموالم داشتم که شما آن را به غارت برده اید و اگر ممکن است آن را به من برگردانید زیرا بدرد شما نمی خورد

آن شخص گفت: ما بدون اجازه رئیس نمی توانیم کتاب شما را پس بدهیم و اصلاً حق نداریم دست □
به اموال بزنیم

لذا من به همراهی آن دزد به نزد رئیسشان رفتیم، وقتی وارد شدیم دیدم که رئیس دزدها نماز می
خواند

موقعی که از نماز فارغ شد آن دزد به رئیس خود گفت □

ی شما نخواستیم بدهیم این عالم يك کتابی بین اموال دارد و آن را می خواهد و ما بدون اجازه

من به رئیس دزدها گفتم: اگر شما رئیس راهزنان هستید، پس این نماز خواندن چرا؟ نماز کجا؟ دزدی
کجا؟

ی خود را گفت: درست است که من رئیس راهزنان هستم ولی چیزی که هست، انسان نباید رابطه ✱
با خدا به کلی قطع کند و از خدا تماماً روی گردان شود، بلکه باید يك راه آشتی را باقی گذارد. حالا که
✱ شما عالمید به احترام شما اموال را برمی گردانیم

و دستور داد همین کار را کردند و ما هم خوشحال با اموالمان به راهمان ادامه دادیم □

پس از مدّتی که به کربلا و نجف برگشتم، روزی در حرم امام حسین - علیه السّلام - همان مرد را دیدم
که با حال خضوع و خشوع گریه و دعا می کرد

وقتی که مرا دید شناخت و گفت: مرا می شناسی؟ □

گفتم: آری

گفت: چون نماز را ترك نکردم و رابطه ام با خدا ادامه داشت، خدا هم توفیق توبه داده و از دزدی دست
برداشتم و هر چه از اموال مردم نزد من بود، به صاحبانشان برگرداندم و هر که را نمی شناختم از طرف
آنها صدقه دادم و اکنون توفیق توبه و زیارت پیدا کرده‌ام

کتاب پاداشها و کیفرها □

صرف نظر کردن از بلیط هواپیما به خاطر نماز □□□

یکی از آقایان می گفت : پسر عمویی دارم که برای تجارت ، بین ایران و اروپا رفت و آمد می کند. روزی در یکی از فرودگاهها به ساعت خود نگاه می کند و می بیند که اگر سوار هواپیما شود، در بین راه نمازش قضا می شود؛ زیرا آفتاب غروب خواهد کرد و از طرفی ، چیزی به پرواز هواپیما باقی نمانده است لذا تصمیم می گیرد هر طور شده نمازش را بخواند. در این هنگام تمام مسافری ، سوار هواپیما شده و هواپیما آماده پرواز می گردد اما چون يك مسافر کم داشته مدیر پرواز کمی انتظار می کشد تا اینکه پسر عمویم را در سالن فرودگاه در حال نماز می یابند. به او گفته می شود که مسافری هواپیما معطل تو هستند، فوراً سوار شويد، ولی پسر عمویم می گوید: هنوز نماز عصرم باقی است . و اگر آن را نخوانده و سوار هواپیما شوم حتماً قضا خواهد شد. مدیر پرواز می گوید: ما نمی توانیم از ساعت پرواز تاءخیر کنیم و این برخلاف مقررات است و اگر شما سوار نشوید و هواپیما حرکت کند، پول بلیط خود را از دست داده اید، پسرعمویم توجهی نکرده و به ادامه نماز می پردازد، ولی وقتی از نماز فارغ می شود، مدیر پرواز به او می گوید ما مقررات پرواز را به خاطر ایمان شما شکستیم و منتظر شدیم تا نمازت را تمام کنی ؛ زیرا نقش عبادت). کسی که به خاطر نماز از پول بلیط خود می گذرد، شایسته احترام و انتظار است (در سازندگی انسان ، امین شیرازی ، ص ۴۱ و ۴۲)

يك خاطره

این خاطره را هرگز فراموش نمی کنم که سالها پیش ، روزی با پدر، و مادر و خانواده ام به مشهد رفتیم ، در بازگشت از مشهد دیر وقت بود که به یکی از شهرهای مازندران رسیدیم . مسجدها بسته بود و در مهمانخانه آن شهر نیز فقط يك اطاق وجود داشت پدرم (که خدا رحمتش کند) بسیار مقید به نماز بود، وقت نماز که می شد، يك تلاطم درونی پیدا می کرد، دیدم او شام نمی خورد و می خواهد ابتدا نماز بخواند، لذا به دنبال مسجد رفتم اما درب مسجد بسته بود و آب هم در دسترس نبود، مجبور شدیم از آبی که برای آشامیدن به همراه داشتیم ، استفاده کنیم ، وضو گرفتیم و در پیاده رو مشغول خواندن نماز شدیم . تنها يك پیرمرد و يك پیرزن نیز با ما نماز خواندند؛ یعنی از چهل نفر مسافری که با ما بودند تنها شش نفر نماز خواندند، سپس به راه خود از زیارت امامی ((یا اندکی تصرف)) ادامه دادیم . آری ، اینان از کجا می آمدند؟ از مشهد مقدس که وقتی در «سرخس» زندانی بود، روزی هزار رکعت نماز می خواند. پس آیا سزاوار نیست ما نیز حداقل در اهمیت دادن به نمازهای پنجگانه - چه در سفر و چه در حضر - پیرو آن حضرت باشیم ؟ به قول مولوی

يك دسته گلت كو اگر آن باغ بدیدت
يك گوهر جان كو اگر از بحر خدایی¹

نماز باعث اصلاح انسان می شود

در روایتی آمده است : مردی به زنی نظر داشت ، زن شوی خویش را از این ماجرا آگاه ساخت ، شوهرش گفت : به او بگو چهل بامداد در نماز جماعت حاضر شو...، آنگاه من تسلیم تو خواهم بود.
آن مرد پذیرفت و چند روز پیایی به نماز آمد، و به زن پیغام داد که من توبه کرده ام و دیگر از تو . تقاضایی ندارم .

¹جهاد با نفس ، ج ۳، ص ۲۵

زن جریان را به شوی خویش باز گفت ، شوهر گفت : می دانستم که «نماز»، او را اصلاح می کند؛ زیرا خداوند فرموده است

(. إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ)
«یعنی :» به راستی که نماز، از فحشا و منکر، جلوگیری می کند²

صدقه دادن بستان جهت کسب اخلاص در نماز

منقول است که «ابن طلحه» در بستان خود نماز می گزارد، در اثنای نماز نظرش به مرغی افتاد که بر درخت بود و می خواست از وسط درخت خارج شود، به آن مرغ سرگرم شد به قسمی که ندانست چند رکعت نماز بجای آورده است .
خدمت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) آمد و حالش را بیان نمود و عرض کرد: «بستانم را صلوة الخاشعین ، شهید (.) صدقه قرار دادم ، به هر مصرفی که صلاح می دانید به مصرف برسانید دستغیب ، ص ۹۵ .
(

لطف خدا و ناسپاسی بنده

مرحوم «حاج شیخ الاسلام» فرمود: شنیدم از عالم بزرگوار و سید عالیمقام ، امام جمعه بهبهانی که در اوقات تشریف به مکه معظمه ، روزی به عزم تشریف به مسجدالحرام و خواندن نماز در آن مکان مقدس ، از خانه خارج شدم ، در اثنای راه ، خطری پیش آمد و خداوند مرا از مرگ نجات داد و با کمال سلامتی از آن خطر رو به مسجد آمدم ، نزدیک در مسجد، خریزه زیادی روی زمین ریخته و صاحبش مشغول فروش آنها بود، قیمت آن را پرسیدم ، گفت آن قسمت ، فلان قیمت و قسمت دیگر ارزاتر و فلان قیمت است ، گفتم پس از مراجعت از مسجد مقداری می خرم و به منزل می برم ، پس به مسجدالحرام رفتم و مشغول نماز شدم ، در حال نماز در این خیال شدم که از قسمت گران آن خریزه بخرم یا قسمت ارزاترش و چه مقدار بخرم و خلاصه تا آخر نماز در این خیال بودم و چون از نماز فارغ شده و خواستم از مسجد بیرون روم ، شخصی از در مسجد وارد و نزدیک من آمد و در گوشم گفت خدایی که امروز تو را از خطر مرگ نجات بخشید، آیا سزاوار است که در خانه او نماز خریزه ای بخوانی؟! فوراً متوجه عیب خود شده و بر خود لرزیدم ، خواستم دامنش را بگیرم اما او را نیافتم³

جامع الاحادیث ، ج ۲ ، ص ۱۱ ، حدیث ۷۷ ، به نقل از کتاب نماز، چاپ مؤسسه در راه حق .
2

داستانهای شگفت ، ص ۹۱ .
3

اگر کسی بپرسد که چرا هر رکعت یک رکوع و دو سجده دارد؟ گفته می‌شود؛ زیرا رکوع نماز از افعال حال قیام است و سجده از افعال حال قعود و نشستن است، و نماز نشسته نصف نماز ایستاده است؛ لذا سجده دو بار مقرر شد تا با رکوع برابر باشد، و میان آن دو تفاوت نباشد؛ چرا که نماز رکوع است و سجود

بلای وحشتناک نتیجه بی اعتنایی به نماز 15

روزی حضرت زهرا (سلام الله علیها) کنار رسول خدا (ص) نشسته بودند

حضرت فاطمه (س) از پدر بزرگوارش پرسید: پدر جان، یا رسول الله! زنان و مردانی که نسبت به نماز بی‌اعتنا هستند و نماز را سبک می‌شمارند، چه عواقبی را در پیش دارند؟

رسول خدا (ص) فرمود: فاطمه جان! هر کسی از مردان و زنان نمازش را سبک بشمارد، خداوند او را به پانزده بلا مبتلا می‌سازد

شش مورد در دنیا، سه مورد در وقت مرگ، و سه مورد آنها در قبر و سه مورد در قیامت زمانی که از قبر خارج شود

الف) اما آن شش بلایی که در دنیا دامنگیرش می‌شود

1- خداوند برکت را از عمرش می‌برد

2- خداوند برکت را از رزقش می‌برد

3- خداوند عزوجل سیمای صالحین را از چهره‌اش محو می‌کند

4- هر عملی که انجام می‌دهد پاداش داده نمی‌شود

5- دعایش به آسمان نمی‌رود

6- بهره‌ای از صالحین برای او نیست

ب) اما آن سه بلایی که هنگام مرگ گرفتارش خواهد شد

1- ذلیل از دنیا می‌رود

2- هنگام مرگ در حال گرسنگی خواهد بود

3- تشنه از دنیا خواهد رفت، اگر چه آب نهرهای دنیا را به او بدهند

ج) اما آن سه بلایی که در قبر دامنگیرش می‌شود

1- خداوند ملکی در قبر برای او می‌گمارد تا او را زجر دهد

2- قبرش برای او تنگ خواهد شد

3- گرفتار ظلمت و تاریکی قبر خواهد شد

د) اما آن سه بلایی که در روز قیامت گرفتارش خواهد شد

1- خداوند ملکی را موکل می‌سازد تا او را با صورت بر زمین بکشد، در حالی که خلاق تماشا می‌کنند

محاسبه اعمالش به سختی انجام می‌شود -2

خدا به نظر لطف به او نمی‌نگرد و برای اوست عذاب همیشگی -3

(منبع: فلاح السائل : ۲۲)

تو شهری در زمان قدیم جوونه عاشق دختر حاکم میشه. به یه ادم حکیم مراجعه می‌کنه. چکار کنم به دختره برسم؟ میگه برو اول هری جایی که مردم تورو می‌بینند بیست و چهار ساعت نماز بخون. این کارو می‌کنه. حاکم خبردار میشه و اونو به کاخش دعوت می‌کنه

بش میگه بیا دخترمو بگیر. قبول می‌کنه

موقع عقد یه دفعه پسر می‌گه نمیخوام

میگند چرا؟ میگه چند روز نماز دروغین خوندم خدا همه چی بم داد. اگر نماز واقعی بخونم به بالاترین درجات می‌رسم.

راهزنان به برکت نماز سر دسته توبه

یکی از علماء از کربلا و نجف برمی‌گشت ولی در راه برگشت در اطراف کرمانشاه و همدان گرفتار دزدان شده و هر چه او و [?] رفقایش داشتند، همه را سارقین غارت نمودند

آن عالم می‌گوید : « من کتابی داشتم که سالها با زحمت و مشقت زیادی آن را نوشته بودم و چون خیلی مورد علاقه ام بود در سفر [?] و حضر با من همراه بود، اتفاقاً کتاب یاد شده نیز به سرقت رفت،

به ناچار به یکی از سارقین گفتم من کتابی در میان اموالم داشتم که شما آن را به غارت برده اید و اگر ممکن است آن را به من [?] . «برگردانید زیرا بدرد شما نمی‌خورد

». آن شخص گفت: « ما بدون اجازه رئیس نمی‌توانیم کتاب شما را پس بدهیم و اصلاً حق نداریم دست به اموال بزنیم [?]»

». گفتم: « رئیس شما کجا است [?]»

. « گفت: « پشت این کوه جایگاه او است [?]»

لذا من به همراهی آن دزد به نزد رئیسشان رفتیم، وقتی وارد شدیم دیدم که رئیس دزدها نماز می خواند. موقعی که از نماز فارغ شد ۲ گفت: آن دزد به رئیس خود گفت

« ی شما نخواستیم بدهیم این عالم يك كتابی بین اموال دارد و آن را می خواهد و ما بدون اجازه ۲»

« من به رئیس دزدها گفتم: « اگر شما رئیس راهزنان هستید، پس این نماز خواندن چرا؟ نماز کجا؟ دزدی کجا؟ ۲»

ی خود را با خدا به کلی قطع کند و از خدا گفت: « درست است که من رئیس راهزنان هستم ولی چیزی که هست، انسان نباید رابطه ۲»
« تماماً روی گردان شود، بلکه باید يك راه آشتی را باقی گذارد. حالا که شما عالمید به احترام شما اموال را برمی گردانیم

و دستور داد همین کار را کردند و ما هم خوشحال با اموالمان به راهمان ادامه دادیم ۲

پس از مدتی که به کربلا و نجف برگشتم، روزی در حرم امام حسین - علیه السلام - همان مرد را دیدم که با حال خضوع و خشوع ۲
گریه و دعا می کرد. وقتی که مرا دید شناخت و گفت

« مرا می شناسی؟ ۲»

« ایگفتم: « آری ۲»

گفت: « چون نماز را ترك نکردم و رابطه ام با خدا ادامه داشت، خدا هم توفیق توبه داده و از دزدی دست برداشتم و هر چه از ۲
اموال مردم نزد من بود، به صاحبانشان برگرداندم و هر که را نمی شناختم از طرف آنها صدقه دادم و اکنون توفیق توبه و زیارت
« پیدا کرده ام

کتاب پاداشها و کیفرها ۲

حکایتی که نگاهمان را به نماز عوض می کند

از چشم دیگران ۲

نصف عمرش را در آمریکا و کشورهای اروپایی گذرانده است. جزء اولین طلبه‌هایی است که زبان انگلیسی را کامل یاد گرفتند. از طرف حوزه رفت به انگلستان

مدتی در منچستر بود، بعد رفت آمریکا و چند کشور دیگر. در همه این سال‌ها کارش تبلیغ دین بوده است

آخرین باری که آقای هنرمند را دیده بودم، بیست و چند سال داشت. من آن وقت‌ها تازه آمده بودم حوزه

امشب، پس از بیست سال، دوباره دیدمش. آمده بود مدرسه امام باقر (ع) و چه سخنرانی خوبی کرد! در يك ساعت، کلی اطلاعات درباره وضعیت اسلام در کشورهای مسیحی به طلبه‌ها داد

سخنرانی که تمام شد، می‌خواست بیاید طرف من، که طلبه‌ها دورش جمع شدند و سؤال‌پیش کردند. با حوصله، همه را جواب داد و با همه خداحافظی کرد

بعد يك‌راست آمد به سمت من. همدیگر را بغل کردیم و از حال همدیگر پرسیدیم. از او خواستم که شام را با هم بخوریم. عذرخواهی کرد، ولی قول داد که به‌زودی يك شب، شام را با هم می‌خوریم

باید می‌رفت خانه. ظاهراً کار واجب داشت. گفتم شما را تا خانه می‌رسانم. تا خانه آقای هنرمند درباره حوزه و درس‌های طلبگی حرف زدیم. وقتی رسیدیم به در خانه‌شان، گفتم: شما عجله دارید و من نمی‌خواهم بیشتر از این وقتتان را بگیرم؛ اما يك سؤال دارم

.- بگو

- در این بیست سال، چند نفر برای مسلمان شدن، پیش شما آمدند؟

.- کم نبودند، ولی عددشون رو یادم نیست

- چه چیزی از اسلام، بیشتر جذبشون می‌کرد؟ وقتی می‌آمدند پیش شما، نمی‌گفتند چرا می‌خواهیم مسلمان بشیم؟

- اتفاقاً هر کس می‌آمد و می‌گفت می‌خام مسلمان بشم، من می‌پرسیدم چرا. چرا می‌خای مسلمان بشی؟

- خب؟

- شاید باور نکنی، ولی اکثرشون می‌گفتند هیچ چیز به اندازه نماز، اونها رو به اسلام متمایل نکرده، خصوصا نماز جماعت

!- عجب جالبه

- آره. می‌گفتند: چیزی مثل نماز مسلمان‌ها که ما رو مقید به ارتباط دائمی با خدا کنه در مسیحیت نیست. ما در مسیحیت، آیین‌های عبادی دسته‌جمعی نداریم، جز مراسم یکشنبه‌ها که آن هم هفته‌ای یکبار در کلیسا برگزار می‌شود

عبادت خانگی و شبانه‌روزی، یه چیز دیگه است. احساس تنهایی و بی‌کسی، بلای جان ما شده است

وقتی مسلمان‌ها رو می‌دیدیم که هر روز، دور هم جمع میشن و خدا رو عبادت می‌کنن، حسرت می‌خوردیم. شما مسلمان‌ها قدر این نماز و مسجد رو نمی‌دونید. ما که قبلاً یک دین دیگه داشتیم، بهتر می‌فهمیم نماز چه معجزه‌ای است

آقای هنرمند، در ماشین را باز کرد. هنوز کاملاً پیاده نشده بود که گفت

- البته، عقلانیت و منطقی بودن اسلام هم خیلی سهم داره؛ ولی تا آنجا که من فهمیدم، هیچی به اندازه این نماز، دل غیر مسلمان‌ها را نمی‌پره

خداحافظی کرد و رفت. من هم راه افتادم به سوی خانه. میان راه، یک لحظه آرزو کردم که کاش من هم از دین دیگری به اسلام وارد شده بودم تا قدر نماز را بیشتر می‌فهمیدم. خودم به آرزوی خودم خندیدم

رضا بابایی؛ نماز در حکایت‌ها و داستان‌ها؛ ص ۱۳۸ با اندکی تلخیص و تصرف

شخصی از امام رضا علیه‌السلام پرسید: نماز واقعی چه نمازیست؟

حضرت علیه‌السلام فرمودند: «حُضُورُ الْقُلُوبِ وَ فِرَاقُ الْجَوَارِحِ»؛ نه اینکه موقع نماز با ریش هم بازی کنم، تمام اعضا و جوارح * باید خاشع باشند. وقتی رو به قبله ایستادی، دستت را روی زانو بگذار، طوری که پشت دست رو به قبله باشد؛ مثل عبد ذلیل. قدیم وقتی بنده‌ها مقابل مولایشان می‌ایستادند اینطور بودند. جوارح هم نباید مشغول بازی باشند. هم قلب انسان باید حضور داشته باشد خاشع باشد، هیچ کجا نباشد و هم اعضا و جوارحش باید مشغول بازی نباشند

سر نماز مرتب با انگشتش بازی می کند، با ریشش بازی می کند، انگشت توی بینی اش می کند، گوشش را می خاراند، مرتب با *
!اعضا و جوارحش بازی می کند، بابا داری نماز می خوانی. این چه نمازی است؟

پنجاه شصت سال پیش توی مسجد امام صدای طیاره آمد، طیاره در حال گذشتن بود، شخصی هم در حال نماز داشت به آسمان نگاه *
!می کرد، این چه نمازیست، این است که می گویم از نماز توبه کنید، استغفار کنید

حضرت علیه السلام در ادامه فرمودند: «وَذُلُّ الْمَقَامِ بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى»؛ هرچند خودت دارای مقام و منزلت هستی، *
آیت الله هستی، رئیس جمهور هستی، ولو خیلی مهم هستی، رئیس هستی، اما باید خودت را در پیشگاه الهی ذلیل کنی، هر چقدر دارای
مقام و منزلت هستی، اما باید در مقابل خداوند که ایستادی ذلیل باشی

وَيَجْعَلُ الْجَنَّةَ عَنْ يَمِينِهِ وَالنَّارَ يَرَاهَا عَنْ يَسَارِهِ» : نماز گزار وقتی که نماز می خواند باید مجسم کند که بهشت این طرف و جهنم *
آن طرفش است. بهشت را در طرف راست خود و جهنم را در طرف چپ خودش در نظر بگیرد. این نماز، نماز است

آیت الله بروجردی رحمت الله علیه وقتی توی اتاق تنها نماز می خواندند، حاج احمد، که پیشکار ایشان بود میگفت: «من گاهی *
صدای استخوان های آقا را می شنوم، آقا وقتی نماز می خوانند من صدای استخوان هایشان را می شنوم. یکی از علمای تهران به نام
آشیخ محمد نوایی به آیت الله بروجردی رحمت الله علیه اقتدا کردند، ایشان می گفتند که من در عمرم چنین نمازی نخوانده بودم. وقتی
آقای بروجردی نماز می خوانند صدای استخوان هایش هم می آمد، ولو مرجع است، اما در مقابل خدا، ذُلُّ المقام، خوار است

خلاصه اینکه به نماز هایتان یک قدری دقت کنید، اول وقت نماز بخوانید، کسانی که نمازشان را اول وقت نمی خوانند، نماز آنها *
را نفرین می کند، آنهایی که نمازشان را اول وقت می خوانند، نماز آنها را دعا می کند

منبع [2]

(کتاب بدیع الحکمة حکمت ۳۱ از مواعظ آیت الله مجتهدی تهرانی (ره)